

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره
موضوع جزئی: آیه ۲۹_ بخش دوم: «فسویهن سبع سماوات»_
بخش سوم: «و هو بكل شیء علیم»
تاریخ: ۲۷ بهمن ۱۳۹۷
مصادف با: ۱۰ جمادی الثانی ۱۴۴۰
جلسه: ۳۸

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاللَّعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ﴾

خلاصه جلسه گذشته

بحث در بخش دوم آیه بیست و نهم بود، عرض کردیم به حسب این آیه خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید بعد از آن که زمین برای انسان‌ها خلق شد، آنگاه خداوند آهنگ و قصد آفرینش آسمان‌ها نمود و آسمان‌ها را در هفت آسمان مستوی و خلق نمود.

درباره تقدم خلقت آسمان بر زمین و بالعکس و اختلافی که در این رابطه وجود دارد، مطالبی عرض شد. عمده معنای خود این آیه است که گفتیم «استوی الی السماء» به معنای قصد خلقت و آفرینش است و لذا بعد از خلقت زمین؛ خداوند قصد خلقت آسمان را نمود.

بخش دوم: «فسواهن سبع سماوات»

«فسواهن سبع سماوات». «استوی» از ریشه «سوی» و به معنای توسط همراه با اعتدال است، یعنی در معنای این واژه دو مفهوم توسط و اعتدال اخذ شده است.

«توسط» یعنی قرار گرفتن در متن یک شیئی و لذا اگر کسی یا چیزی در حاشیه باشد توسط ندارد. اعتدال هم یعنی اینکه چیزی در جای خودش قرار بگیرد و لذا در دل معنای اعتدال یک نوع آرامش و دوری از اضطراب و ناآرامی نهفته است. در قرآن در موارد متعددی «استوی» استعمال شده است. «استوی» که از باب افتعال و برای مطاوعه است، در واقع به معنای انتخاب و گزینش توسط و اعتدال و بهره‌مندی از استقرار تام است. اگر یک چیزی به عنوان «استوی» از او یاد شود، یعنی آن شیئی در اعتدال و توسط و مستقر به نحو مطمئن خواهد بود. وقتی گفته می‌شود «فسواهن سبع سماوات»، یعنی خداوند آسمان‌های هفت‌گانه را به نحوی قرار داد که استقرار تام دارند و هیچ ناآرامی، عدم تعادل و اضطراب در امور آنها وجود ندارد. این‌ها در متن آفرینش و در جای خود مستقرند و استقرارشان هم تام و کامل و همراه با اطمینان است و این نشان از اتقان آسمان‌های هفت‌گانه است. عرض کردیم که اگر استوی با الی متعدی شود، به معنای قصد آفرینش است و خداوند قصد خلقت آسمان کرد و آنگاه آسمان‌های هفت‌گانه را همراه با توسط و اعتدال قرار داد.

موارد استعمال «استوی» در قرآن

لفظ و واژه «استوی» در قرآن در موارد متعدد دیگری به همین معنا استعمال شده است:

۱. از جمله درباره کشتی نوح که بعد از طوفان بر کوه جودی فرود آمد که در قرآن می‌فرماید «وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»^۱ یعنی این که این کشتی بعد از طوفان بر این کوه فرود آمد در حالت اعتدال و توسط و استقرار.

۲. یا مثلاً در مورد استقرار خداوند بر عرش «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى»^۲. البته استوای خداوند بر عرش معلوم است که از نوع مادی نیست و در واقع کنایه از سلطه و فرمانروایی خداوند تبارک و تعالی است. یعنی خداوند بر این عالم استیلا دارد.

۳. درباره سوار شدن بر مرکب «وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ * لَتَسْتَوْا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرْنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ»^۳ همین که بر پشت مرکب بدن هیچ تزلزل و اضطراب قرار می‌گیرید، در آن موقع به یاد نعمت‌های خدا باشید.

معنای آسمان‌های هفت‌گانه

مسئله مهم در این آیه که تا حدودی باید فعلاً به آن پرداخته شود و بحث مفصل آن در آینده باید مورد رسیدگی قرار گیرد، مسئله سماوات سبع است. این از مواردی است که معنایش به درستی معلوم نیست.

گاهی در کنار ذکر آسمان‌های هفت‌گانه از زمین به عنوان مطلق یاد شده است مانند همین آیه که خداوند فرمود «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» که سخن از هفت زمین و هفت آسمان نیست.

در برخی از آیات همانطور که به هفت آسمان اشاره شده است، اشاره به هفت زمین هم اشاره شده است مانند این آیه «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا»^۴ که اینجا هم بحث از خلقت زمین بر طبق خلقت آسمان است، یعنی همانطور که آسمان‌ها هفت‌گانه هستند، زمین هم اینچنین است.

به هر حال اجمالاً برای آسمان هفت طبقه ذکر شده است. عمده این است که منظور از آسمان‌های هفت‌گانه چیست. آنچه که مسلم است این است که آسمان‌های هفت‌گانه غیر از افلاک نه‌گانه یا هفت‌گانه است که در هیئت قدیم و علم نجوم در قدیم مورد اشاره قرار گرفته است. ظاهر آیات این است که آنچه که ما در آسمان می‌بینیم، همگی از آسمان اول اند. خداوند در سوره صافات می‌فرماید «إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ»^۵ یعنی ما آسمان دنیا را به زینت ستارگان آراستیم، از این

۱. سوره هود آیه ۴۴.

۲. سوره طه آیه ۵.

۳. سوره زخرف آیه ۱۲ و ۱۳.

۴. سوره طلاق آیه ۱۲.

۵. سوره صافات آیه ۶.

معلوم می‌شود که این یک آسمان است که از سایر آسمان‌ها به ما نزدیک‌تر است. اما اینکه آسمان‌های دیگر کجا هستند و کیفیت‌شان چگونه است و در کجا قرار دارند، در قرآن هیچ مطلبی بیان نشده است.

برخی در مورد زمین هم گفته‌اند منظور اقلیم‌های هفت‌گانه است و یا طبقات و لایه‌های زمین که هفت طبقه و لایه است که تأییدی در این باره در قرآن و روایات دیده نمی‌شود.

ما در مورد آسمان‌ها می‌گوییم آنچه که می‌بینیم، آسمان اول است و شش آسمان دیگر معلوم نیست کجا هستند و یا چگونه اند. در مورد زمین هم برخی زمین‌های هفت‌گانه را حمل کرده‌اند بر لایه‌های هفت‌گانه زمین و گفته‌اند که در زمین هفت لایه وجود دارد که این هم مانند آسمان شاهی در آیات و روایات ندارد. اینکه ما زمین‌های هفت‌گانه را معنا کنیم به اقلیم‌های هفت‌گانه یعنی آب و هواهای هفت‌گانه که ممکن است در مناطق مختلف زمین وجود داشته باشد، این هم شاهی در آیات و روایات ندارد. بلکه اگر به خاطر داشته باشید، ما روایتی را از امام رضا نقل کردیم که بر اساس آن روایت امام دست‌چپشان را پهن کردند و گفتند این زمین اول است و بعد دست راست را روی دست چپ قرار دادند و گفتند این آسمان اول است و به همین ترتیب هفت آسمان و زمین را تصویر کردند، اگر ما به ظاهر این روایت أخذ کنیم، این اساساً با حمل ارضین سبع بر اقلیم‌های هفت‌گانه یا لایه‌های هفت‌گانه زمین سازگار نیست. آنچه که می‌توانیم بگوییم این است که اجمالاً معنای شش آسمان و زمین دیگر، چندان برای ما معلوم نیست؛ یعنی این را به صراحت در آیات و روایات نمی‌بینیم و آنچه که در قرآن درباره آسمان‌ها گفته است، فقط سبع سماوات است. در خصوص زمین هم عدد سبع را نگفته است بلکه فقط گفته «و من الأرض مثلهن» و یا به صورت جمع ذکر شده است.

به هر حال خداوند هم زمین و هم ما فی الأرض را به نحو کامل را برای انسان خلق کرده است و آسمان‌ها را هم کذلک برای انسان خلق کرده است. همه نعمت‌هایی که در زمین و آسمان خلق شده، برای بهره‌مندی انسان و برای رسیدن انسان به مقصد اعلای خلقت است لذا آن هدف و مقصد هیچ‌گاه نباید فراموش شود. انسان باید بداند که تمام آسمان‌ها و زمین و هر آنچه که در آن‌ها است، برای این محور اصلی خلق شده است. او باید بداند که این‌ها ابزاری هستند برای رساندن انسان به آن مقصد نه اینکه بهره‌مندی از این نعمت‌ها خودش اصل شود.

بخش سوم: «و هو بکل شیء علیم»

بخش سوم که آخرین بخش است، این است: «و هو بکل شیء علیم» یعنی اینکه او به همه چیز آگاه و دانا است. قبلاً در آیه ۲۰، صحبت از قدرت خدا به میان آمد ولی از ابتدای سوره تا اینجا، سخن از علم مطلق خدا به میان نیامده بود.

«علیم» یکی از صفات و اسماء حسناى الهی است که در قرآن برای خداوند ذکر شده است. غیر از «علیم» گاهی از خداوند به عنوان «عالم» یاد شده و گاهی هم به عنوان «عَلَّام» یاد شده است؛ اما هر سه دلالت دارد بر اینکه خداوند متعال واجد این صفت است و هیچ‌کجا نداریم که خداوند دانا و علیم گردید. یعنی اصل حدوث علم و صفت مشبه و صیغه مبالغه، از این واژه‌ها قابل استفاده است ولی نه به این معنا که نعوذ بالله او زمانی جاهل بود و سپس عالم شد و یا زمانی عالم بود و بعد بر علمش

افزوده شد و یا زمانی عالم بود و علمش فزونی پیدا کرد و به حدی رسید که بسیار عالم شد. خداوند متعال عالم علی الإطلاق است و علمش از همان ابتدا به نحو مطلق برای او ثابت شده است مانند سایر صفات.

اینکه در اینجا با وزن فعیل و به صورت صفت مشبیه به کار رفته به این معناست که خداوند به همه چیز آگاه و دانا است و به همه اشخاص احاطه تامه دارد. خداوند اگر زمین را خلق کرد، احاطه تامه بر مخلوق خودش دارد. اگر آسمان‌های هفت‌گانه را خلق کرد، احاطه تامه بر این آسمان‌ها دارد. و همچنین اگر انسان‌ها را خلق کرد، باز محیط به همه انسان‌ها است. اگر این آسمان‌ها و زمین را برای انسان خلق کرد، باز خداوند دانا است به اینکه انسان با این مخلوقات چه می‌کند.

وجه اینکه بخش پایانی این آیه بر صفت علم خدا و احاطه دانایی و آگاهی او به همه چیز و همه کس تأکید می‌کند، این است که خداوند متعال به مخلوقات خودش آگاه است و می‌داند چه مخلوقی برای مخلوق دیگر خلق شده و می‌داند استفاده انسان‌ها از این مخلوقات به چه انگیزه و برای چه مقصدی است. الان استفاده‌های روز مره‌ای که حیوانات از این دنیا دارند ما هم داریم. برخی از ما استمتاع‌مان در این دنیا بیش از دیگران است؛ برخی دیگر بهره‌مندی بیشتری از مخلوقات خداوند دارند.

ممکن است خود ما هم گرفتار خود فریبی شویم و مقصد ما آنطور که این آیه ترسیم کرده است نباشد یعنی ما به مخلوقات به جای اینکه به عنوان ابزار رسیدن به مقصد نگاه کنیم، خود این‌ها را اصل قرار داده‌ایم ولی خداوند این‌ها را می‌داند. اینکه خداوند تبارک و تعالی بعد از بیان خلقت آسمان‌های هفت‌گانه و بعد از بیان خلقت زمین و اینکه هر دوی آن‌ها برای انسان خلق شده‌اند، می‌فرماید « وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ »، یعنی او می‌داند شما انسان‌ها از آسمان‌ها و زمین و از ما فی الأرض چه بهره‌ای می‌گیرید و چگونه استفاده می‌کنید. آیا توجه دارید که این‌ها همه در اختیار انسان‌اند تا به آن مقصد عالی برسد، یا توجه ندارید؟ همه این‌ها را خداوند می‌داند از کوچکترین عمل تا بزرگترین آن‌ها و همگی تحت احاطه خداوند است. آنوقت اینجا است که معلوم می‌شود چه کسی از این مخلوقات بهره‌درستی گرفته است؟

«والحمد لله رب العالمین»